

در ۵۰ سالگی بازنشسته می‌شود و قرار است تا سن فرضی ۷۵ سالگی حقوق بازنشستگی دریافت کند، بعد از فوت این فرد به موجب قوانین ورثه انات، همسر یا فرزند انات وی هم می‌تواند مادامی‌که شغل و شوهر نداشته باشد از حقوق بازنشستگی وی بهره‌مند شود. همچنین به موجب قانون، فرزندان اجازه دارند از مستمری بازنشستگی پدر و مادر خود به صورت هم‌زمان بهره‌مند شوند. این مسئله از یک سو موجب ایجاد انحرافات اجتماعی و فرهنگی می‌شود و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، انگیزه اشتغال و ازدواج را در جامعه از بین می‌برد.

وضع قوانینی که موجب منع استخدام دولتی شده است، از جمله قوانین برنامه توسعه، همچنین قانون مدیریت خدمات کشوری که عنوان کرد افرادی که به استخدام دولت درآمدند با انعقاد قرارداد پیمانی مشمول صندوق تأمین اجتماعی شوند، از مشکلات اساسی گریبانگیر صندوق بازنشستگی کشوری است که ورودی‌های صندوق بازنشستگی کشوری را به شدت کاهش داده و تبدیل به یک صندوق تقریباً بسته کرده است. این موضوع سبب شد که امروز به‌ازای هر بازنشسته، کمتر از یک نفر شاغل به این صندوق، کسور پرداخت کند که مسلماً پاسخ‌گوی پرداخت تعهدات صندوق نخواهد بود.

علاوه بر موارد فوق، تغییر ساختار جمعیتی نیز تأثیر بسزایی در تشدید بحران در سال‌های آتی خواهد داشت که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

هرم سنی کشور نشان می‌دهد که ساختار سنی جمعیت در بستر انتقال از جمعیتی جوان به سال‌خورده قرار گرفته است که در نتیجه، موجب تغییر و افزایش نرخ وابستگی سالمندی ۳ شده و این افزایش، حاکی از آن است که تعداد کمتری از افراد شاغل، با پرداخت کسور به تأمین حقوق افراد بازنشسته و حمایت از آنان خواهند پرداخت. از طرفی با گذشت زمان و پیشرفت علم پزشکی و تکنولوژی، امید به زندگی افزایش یافته و فاصله بین سن بازنشستگی تا زمان پایان پرداخت مزایای بازنشستگی بیشتر شده است.

سن امید به زندگی در غالب نقاط جهان افزایش یافته است و اغلب کشورها، سن بازنشستگی را هماهنگ با تغییرات جمعیتی و به‌خصوص افزایش امید به زندگی ارتقا داده‌اند. باین‌حال میانگین سن بازنشستگی در صندوق بازنشستگی کشوری در سال‌های اخیر حدود ۵۱ سالگی بوده است که اگر سن امید به زندگی در بدو تولد را برای مردان ۷۲.۱ و برای زنان ۷۴.۶ در نظر بگیریم حداقل ۲۱ سال با سن امید به زندگی در بدو تولد اختلاف دارد. در واقع این مسئله موجب شده است که افراد، پس از بازنشستگی مدت بیشتری عمر کرده و در نتیجه به مدت طولانی‌تری نسبت به دهه‌های گذشته مستمری دریافت خواهند کرد و در نتیجه، منابع صندوق نسبت به مصارف آن به‌شدت کاهش خواهد یافت.

در کنار وضع قوانین مغایر با اصول بیمه‌ای و تغییر ساختار جمعیت کشور، عوامل مهم دیگری نیز وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به وضعیت کلی اقتصاد کشور و نبود استانداردهای مدون در سرمایه‌گذاری، حسابداری و آکچوئری صندوق‌های بازنشستگی اشاره کرد. انتظار می‌رود ذخائر عظیم صندوق‌های بازنشستگی سرمایه‌گذاری شوند تا در آینده بتوان تعهدات

بازنشستگی را ایفا کرد. پایین بودن نرخ بازده سرمایه‌گذاری می‌تواند آسیبی بسیار جدی به ارزش منابع صندوق‌ها وارد کند که متأسفانه این امر در صندوق‌های ایران اتفاق افتاده است. همچنین نبود استانداردهای سرمایه‌گذاری، ابزار کنترل و نظارت را در صندوق‌ها از بین برده است. استاندارد ناقص حسابداری و همچنین نبود استاندارد آکچوئری در راستای ارزیابی وضعیت فعلی صندوق‌های بازنشستگی، امکان ارزیابی شدت بحران را از بین می‌برد.

در مطالب فوق، بحران صندوق‌های بازنشستگی و دلایل ایجاد بحران‌ها مورد اشاره واقع شد، اما یکی از مهم‌ترین مسائل در این بین، شناخت شدت این بحران است. علم آکچوئری ابزاری برای سنجش شدت این بحران است. همان‌طور که نقش یک مهندس ساختمان در طراحی، اجرا و نظارت یک برج عظیم بسیار حیاتی و ضروری است، نقش یک آکچوئر در صندوق‌های بازنشستگی نیز بسیار اهمیت دارد. در ادامه با ذکر نمونه‌ای از تصمیمات غیراصولی و غیرکارشناسانه به اهمیت علم آکچوئر می‌پردازیم.

برای بیان اهمیت محاسبات آکچوئری می‌توان به تأسیس صندوق بازنشستگی کارکنان جهاد کشاورزی در اواسط سال ۱۳۶۸ اشاره کرد که در آن، متأسفانه به مسئله حیاتی و مهم محاسبات آکچوئری در بدو تأسیس، هیچ توجهی نشده است. از طرفی تعهدات صندوق از سال تأسیس، یعنی ۱۳۶۸ شروع نشده، بلکه این تعهدات از خردادماه سال ۱۳۵۸ هم‌زمان با تأسیس جهاد سازندگی و حتی قبل‌تر از آن آغاز شده است؛ یعنی بدون انجام محاسبات بیمه‌ای و آکچوئری به منظور برآورد میزان کسوری که در مدت تقریباً ۱۰ سال مشمولان صندوق جهاد کشاورزی باید می‌پرداختند و با عدم پرداخت این کسور معوقه به صندوق، این افراد عضو صندوق مربوطه شدند. به همین دلیل یکی از معدود صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای است که وفق قانون و مصوبات مربوطه، تعهداتش به ۱۰ سال قبل از تأسیس آن باز می‌گردد. این اولین ناهنجاری غیرپارامتریک است که قانون بر صندوق تحمیل کرده است. ضمن اینکه تا ۱۰ سال بعد از تأسیس نیز هیچ مبلغی برای جبران تعهدات مذکور و شروع سرمایه‌گذاری به صندوق پرداخته نشده؛ بنابراین، این امر، به عنوان دومین عامل اساسی و ناهنجاری غیرپارامتریک، ضربه اساسی دوم را به پایداری مالی صندوق وارد کرده است. صرفاً در اواخر دهه ۷۰ مبلغ نسبتاً کمی، آن هم به شکل سهام شرکت‌های وابسته به جهاد سازندگی که عمدتاً با وضعیت نامناسب اقتصادی مواجه بودند، به صندوق پرداخت شد. حال فرض کنید چنین صندوقی با بحران شدید مالی و داشتن کسری، مجدداً بدون انجام هیچ‌گونه محاسبات آکچوئری در اواخر سال ۱۳۹۰ با صندوق بازنشستگی کشوری ادغام شد. این در حالی است که در بدو تأسیس هر صندوق بازنشستگی، تعهدات ایجادشده تحت عنوان تعهدات آغازین باید شناسایی و به تصمیم‌گیران ابلاغ شود و در صورت تأمین مالی، آن صندوق تأسیس شود. علاوه بر آن، تعیین نرخ اولیه کسورات، ارزیابی‌های سالانه و ... از وظایف مشخص یک آکچوئر در صندوق‌های بازنشستگی است.

علاوه بر موارد گفته‌شده، نپرداختن به آکچوئری خاص برای خدمات بیمه درمان در کنار سایر مشکلات ساختاری و نظارتی،

پایین بودن
نرخ بازده
سرمایه‌گذاری
می‌تواند آسیبی
بسیار جدی به
ارزش منابع
صندوق‌ها وارد
کند که متأسفانه
این امر در
صندوق‌های
ایران اتفاق
افتاده است.
همچنین نبود
استانداردهای
سرمایه‌گذاری،
ابزار کنترل و
نظارت را در
صندوق‌ها از
بین برده است